

أنت مني بمنزلة هارون من موسى 1:

نسبت تو به من، مانند هارون به موسی است. 2.

نماذج من الحديث:

نمونه‌هایی از این حدیث:

صحيح البخاري: «حدثنا محمد بن بشار حدثنا غندر حدثنا شعبة عن سعد قال سمعت إبراهيم بن سعد عن أبيه قال قال النبي صلى الله عليه وسلم لعلي: أما ترضى أن تكون مني بمنزلة هارون من موسى» 3.

صحيح بخاری: پیامبر صلی الله علیه و سلم به علی فرمود: (آیا راضی نمی‌شوی که

نزد من به منزله‌ی هارون به موسی باشی؟) 4.

1 الحديث ورد بصيغ متقاربة في:

- صحيح البخاري: ج 4 ص 208 باب مناقب المهاجرين وفضلهم. وج 5 ص 129 باب غزوة تبوك، عن سعد.
- صحيح مسلم: ج 7 ص 120 و 121 باب من فضائل علي، عن سعد بن أبي وقاص.
- مسند أحمد: ج 1 ص 170 و 173 و 175 و 177 و 179 و 182 و 184 و 185 و 331. وج 3 ص 32 و 338. وج 6 ص 369 و 438، عن سعد بن مالك وسعد بن أبي وقاص وابن عباس وأبي سعيد الخدري وجابر بن عبد الله وأسماء بنت عميس.
- سنن ابن ماجه: ج 1 ص 42 و 45 عن سعد.
- سنن الترمذي: ج 5 ص 301 و 304 عن سعد وجابر بن عبد الله.
- فضائل الصحابة - النسائي: ص 13 و 14 عن سعد بن أبي وقاص.
- المستدرک - الحاكم النيسابوري: ج 2 ص 337 عن علي (عليه السلام). وج 3 ص 108 و 133 عن سعد وابن عباس.
- السنن الكبرى - البيهقي: ج 9 ص 40 عن سعد.

2 حديث با جمله‌های مشابه در منابع زیر آمده است:

- صحيح بخاری، ج 4، ص 208، باب مناقب مهاجرين و فضيلت آنان آمده است. و ج 5، ص 129، باب غزوه‌ی تبوک از سعد.
- صحيح مسلم، ج 7، ص 120 و 121، باب من فضائل علی عن سعد بن أبي وقاص.
- مسند احمد، ج 1، ص 170 و 173 و 175 و 177 و 179 و 182 و 184 و 185 و 331، ج 3، ص 32 و 338، ج 6، ص 369 و 438 از سعد بن مالك و سعد بن أبي وقاص و ابن عباس و ابوسعید خدری و جابر بن عبد الله و اسماء بنت عميس.
- سنن ابن ماجه، ج 1، ص 42 و 45، از سعد.
- سنن ترمذی، ج 5، ص 301 و 304، از سعد و جابر بن عبد الله.
- فضائل الصحابة، نسائي، ص 13 و 14، از سعد بن أبي وقاص.
- مستدرک، حاکم نیشابوری، ج 2، ص 337، از علی (عليه السلام)، ج 3، ص 108 و 133 از سعد و ابن عباس.
- سنن کبری، بیهقی، ج 9، ص 40 از سعد.

3 صحيح البخاري: ج 4 ص 208 باب مناقب المهاجرين وفضلهم.

4 صحيح بخاری، ج 4، ص 208، باب مناقب المهاجرين وفضلهم.

صحیح البخاری: «حدثنا مسدد حدثنا يحيى عن شعبة عن الحكم عن مصعب بن سعد عن أبيه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم خرج إلى تبوك واستخلف عليا فقال أتخلفني في الصبيان والنساء قال لا ترضى أن تكون منى بمنزلة هارون من موسى إلا أنه ليس نبي بعدي» 5.

صحیح بخاری: مصعب بن سعد از پدرش گوید: (رسول الله صلى الله عليه وسلم به تبوک رفت و علی را به عنوان جانشین خودش قرار داد. عرض کرد: آیا مرا در میان کودکان و زنان جانشین خودت قرار می دهی؟ فرمود: آیا راضی نمی شوی که نزد من به منزله ی هارون نسبت به موسی باشی؟ جز آن که هیچ پیامبری پس از من نیست.) 6.

صحیح مسلم: «حدثنا يوسف أبو سلمة الماجشون حدثنا محمد بن المنكر عن سعيد بن المسيب عن عامر بن سعد بن أبي وقاص عن أبيه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لعلي: أنت منى بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي» 7.

صحیح مسلم: رسول الله صلى الله عليه وسلم به علی فرمود: (تو نزد من به منزله ی هارون نسبت به موسی هستی. جز آن که هیچ پیامبری پس از من نیست.) 8.

صحیح مسلم: « (وحدثنا) أبو بكر بن أبي شيبة حدثنا غندر عن شعبة ح وحدثنا محمد بن المثنى وابن بشار قالوا حدثنا محمد بن جعفر حدثنا شعبة عن الحكم عن مصعب بن سعد بن أبي وقاص عن سعد بن أبي وقاص قال خلف رسول الله صلى الله عليه وسلم علي بن أبي طالب في غزوة تبوك فقال: يا رسول الله تخلفني في النساء والصبيان فقال: أما ترضى أن تكون منى بمنزلة هارون من موسى غير أنه لا نبي بعدي» 9.

5 صحیح البخاری: ج 5 ص 129 باب غزوة تبوك.

6 صحیح بخاری، ج 5، ص ۱۲۹، باب غزوة تبوك.

7 صحیح مسلم: ج 7 ص 120 باب من فضائل علي رضي الله عنه.

8 صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰، باب من فضائل علی (رض).

9 صحیح مسلم: ج 7 ص 120 باب من فضائل علي رضي الله عنه.

صحیح مسلم: سعد بن ابی وقاص گوید: (رسول الله صلى الله عليه وسلم على بن ابی طالب را در غزوه ی تبوک جانشین خودش قرار داد. ایشان عرض کرد: ای رسول خدا، آیا مرا در میان کودکان و زنان جانشین خودت قرار می دهی؟ فرمود: آیا راضی نمی شوی که نزد من به منزله ی هارون نسبت به موسی باشی؟ جز آن که هیچ پیامبری پس از من نیست).¹⁰

صحیح مسلم: « (حدثنا) عبید الله بن معاذ حدثنا أبی حدثنا شعبة في هذا الإسناد (حدثنا) قتيبة بن سعيد ومحمد بن عباد (وتقاربا في اللفظ) قال حدثنا حاتم (وهو ابن إسماعيل) عن بكير بن مسمار عن عامر بن سعد بن أبی وقاص عن أبیه قال امر معاوية بن أبی سفيان سعدة فقال ما منعك أن تسب أباً التراب فقال: أما ما ذكرت ثلاثاً قالهن له رسول الله صلى الله عليه وسلم فلن أسبه لأن تكون لي واحدة منهن أحب إلى من حمر النعم سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول له خلفه في بعض مغازيه فقال له على يا رسول الله خلفتي مع النساء والصبيان فقال له رسول الله صلى الله عليه وسلم أما ترضى أن تكون منى بمنزلة هارون من موسى إلا انه لا نبوة بعدي وسمعتة يقول يوم خيبر لأعطين الراية رجلاً يحب الله ورسوله ويحبه الله ورسوله قال فتناولنا لها فقال ادعوا لي علياً فأتى به أرمم فبصق في عينه ودفع الراية إليه ففتح الله عليه ولما نزلت هذه الآية فقل تعالوا ندع أبناءنا وأبناءكم دعا رسول الله صلى الله عليه وسلم علياً وفاطمة وحسناً وحسيناً فقال اللهم هؤلاء أهلي»¹¹.

صحیح مسلم: سعد بن ابی وقاص به نقل از پدرش گوید: (معاویه بن ابی سفيان به سعد گفت: چه چیز مانع می شود که به ابوتراب توهین کنی؟ گفت: آیا سه موضوع را که رسول الله صلى الله عليه وسلم به علی فرمود، یادت نیست؟ تا زمانی که یکی از آن ها را داشته باشم، به او ناسزا نمی گویم و این از شتران سرخ مو برایم بهتر است. از رسول الله صلى الله عليه وسلم شنیدم که ایشان را در برخی از

¹⁰ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰، باب من فضائل علی (رض).

¹¹ صحیح مسلم، ج ۷ ص ۱۲۰ باب من فضائل علي رضي الله عنه.

غزوه‌هایش جانشین خود قرار داد و علی به ایشان عرض کرد: ای رسول‌الله! آیا مرا در میان کودکان و زنان جانشین خودت قرار می‌دهی؟ فرمود: آیا راضی نمی‌شوی که نزد من به منزله‌ی هارون نسبت به موسی باشی؟ جز آن که هیچ پیامبری پس از من نیست. و شنیدم که روز خیبر فرمود: پرچم را به دست مردی می‌دهم که خداوند و رسولش را دوست دارد و خداوند و رسولش، او را دوست دارند. ما پرچم را برای ایشان آوردیم. فرمود: علی را نزد من بیاورید. ارمدا او را آورد. ایشان آب دهانش را بر چشمان علی مالید و پرچم را به او داد. خداوند برایش گشایش ایجاد کرد. و زمانی که این آیه فرستاده شد: «بگو بیایید بخوانیم پسران مان و پسران تان را». رسول‌الله صلی الله علیه و سلم، علی و فاطمه و حسن و حسین را فراخواند و فرمود: خدایا این‌ها خانواده‌ی من هستند).¹²

صحیح مسلم: «حدثنا أبو بكر بن أبي شيبة حدثنا غندر عن شعبة ح وحدثنا محمد بن المثنى وابن بشار قالوا حدثنا محمد بن جعفر حدثنا شعبة عن سعد ابن إبراهيم سمعت إبراهيم بن سعد عن سعد عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه قال لعلي: أما ترضى أن تكون مني بمنزلة هارون من موسى»¹³.

صحیح مسلم: پیامبر صلی الله علیه و سلم به علی فرمود: (آیا راضی نمی‌شوی که نزد من به منزله‌ی هارون نسبت به موسی باشی؟).¹⁴

مسند أحمد: «حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا أبو سعيد مولى بني هاشم ثنا سليمان بن بلال ثنا الجعيد بن عبد الرحمن عن عائشة بنت سعد عن أبيها إن عليا رضي الله عنه خرج مع النبي صلى الله عليه وسلم حتى جاء ثنية الوداع وعلى رضي الله

¹² صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰، باب من فضائل علی (رض).

¹³ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۱، باب من فضائل علی رضي الله عنه.

¹⁴ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۱، باب من فضائل علی (رض).

عنه يبكى يقول تخلفني مع الخوالف فقال أو ما ترضى أن تكون منى بمنزلة هارون من موسى إلا النبوة»¹⁵.

مسند احمد: (عائشه بنت سعد از پدرش نقل کرد که: علی(رض) با پیامبر صلی الله علیه و سلم بیرون رفتند تا این که به ثنیة الوداع رسیدند و علی(رض) گریه می کرد و عرض می کرد: آیا مرا در تخلف کنندگان جانشین می نمایی؟ فرمود: آیا راضی نمی شوی که نزد من به منزله ی هارون نسبت به موسی باشی؟ مگر در مورد پیامبری).¹⁶

هارون أخ ووصي موسى، وأكد أنّ المراد بالمنزلة ليس كونه أخوه، فلا معنى أن يخبر الرسول بأنّ علياً قريبه فهو أمر ظاهر للجميع ومفروغ منه ولا يحتاج إخباراً أو إعلاناً وبياناً له على أنه مكافئة إلهية؛ لأنّ القرابة بحد ذاتها ليس فيها تزكية ولا تعتبر مكافئة إلهية، فأبو لهب عمّ النبي، فيبقى أنّ المراد بالمنزلة هو الوصاية وخلافة الله في أرضه، فكما أنّ هارون وصي موسى كذا علي وصي محمد، ولهذا كان المناسب بالتعقيب في بعض الأحاديث باستثناء النبوة الرسالية من الله عن علي، وهذا أمر ناقشته في كتاب "النبوة الخاتمة"، وبيّنت لماذا ختمت النبوة الرسالية من الله وافتتحت النبوة الرسالية من محمد (صلى الله عليه وآله)، و كونه صورة اللاهوت الأكمل في الخلق.

هارون برادر و وصی موسی بود. قطعاً منظور از منزلت و جایگاه این نیست که برادرش است. معنا ندارد که رسول خبر بدهد که علی به او نزدیک است. این موضوع برای همه آشکار و حل شده است و نیاز به خبر دادن یا اعلام کردن و بیان ایشان ندارد؛ چرا که موضوع این حدیث پاداشی الهی است؛ چرا که نزدیکی به خودی خود سبب پاک نمودن کسی نمی شود و پاداش الهی شمرده نمی شود. به عنوان مثال ابولهب عموی پیامبر است. معنای باقیمانده این است که منظور از منزلت، همان وصایت و خلافت خداوند بر زمین است. همان طور که هارون

¹⁵ مسند أحمد: ج 1 ص 170.

¹⁶ مسند احمد، ج ۱، ص ۱۷۰.

وصی موسی بود، علی نیز وصی محمد است. به همین خاطر در ادامه‌ی برخی از احادیث نقل شده، نبوت ارسالی از سوی خداوند از علی استثنا شده است. این موضوع را در کتاب «نبوت خاتم» مورد بحث قرار داده‌ام و بیان کرده‌ام که چرا نبوت ارسالی از سوی خداوند به پایان رسیده و نبوت ارسالی از سوی محمد (صلی الله علیه وآله) آغاز شده است و وجود ایشان کامل‌ترین جلوه‌ی لاهوت در مخلوقات است.

النتیجة: ما دلت علیه هذه الأحادیث؛ أنّ علي بن أبي طالب هو خليفة الله في خلقه بعد رسول الله محمد (صلی الله علیه وآله).

نتیجه: معنایی که این احادیث بر آن دلالت دارد، این است که علی بن ابی‌طالب، خلیفه‌ی خداوند پس از محمد رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در میان مخلوقات است.